

گزارش

از امروز ۶ فیلم جدید راهی اکران می‌شود و گیشه سینماها که در این چند ماه بیشتر با کم‌دی‌ها رونق گرفته بود، آثار تازه‌ای را از کارگردان‌هایی مثل کمال تبریزی و طیف متونعی از بازیگران میزبانی می‌کند.

به گزارش ایسنا، از امروز ۱۸ مردادماه دور جدیدی از اکران فیلم‌ها در سینما آغاز می‌شود و تازه‌ترین ساخته‌های فیلم‌سازی همچون کمال تبریزی و نوید محمودی روی پرده می‌آید. در بین این فیلم‌ها دو اثر از سینمای کودک و نوجوان راهی اکران می‌شوند تا شاید جای خالی فیلم‌های مناسب برای بچه‌ها در روزهای تابستان کمی پر شود. یکی از این فیلم‌ها «نارگیل ۲» به کارگردانی داود اطمیابی و تهیه‌کنندگی ابراهیم عامریان است. این فیلم در ادامه «نارگیل» ساخته شده که سال ۱۳۹۹ در جشنواره فیلم کودکان و نوجوانان به نمایش درآمد. عامریان این روزها فیلم پرفروش سینمای ایران یعنی «فصل» را هم روی پرده دارد. بیژن بنفشه‌خواه، علیرضا استادی، سحر قریشی، شقایق دهقان، نصرالله رادش و غلامحسین لطفی بازیگران این فیلم هستند. برخی بازیگران این فیلم سال‌هاست که در سینما حضور نداشتند از جمله رادش که آخرین بار بیش از یک دهه قبل در فیلم «خنده در باران» داریوش فرهنگ بازی کرده بود. آخرین فیلم‌های غلامحسین لطفی هم «نارگیل» در سال ۱۳۹۸ و قبل از آن نیز «خفه‌گی» فریدون جیرانی بودند.

دیگر فیلم جدید سینماها «دست انداز» آخرین ساخته کمال تبریزی است که به تهیه‌کنندگی محمد آفریده در سال ۱۳۹۸ کلید خورد. این فیلم به عنوان اثری متفاوت در کارنامه تبریزی معرفی شده و یک کم‌دی فانتزی است که رضا کینایان، حبیب رضایی، هدی زین‌العابدین، رویا نونهالی و همایون ارشادی در آن بازی کرده‌اند و امید

کارگردان مجموعه نمایشی «آقای قاضی» که در سری جدید به «آقای قاضی شعبه ۱۲۱» تغییر نام داده است، از تغییرات این مجموعه و پیچیده‌تر شدن پرونده‌ها در این فصل سخن گفت.

سجاد مهرگان کارگردان مجموعه «آقای قاضی» در گفتگو با مهر، درباره این اثر نمایشی که فصل تازه آن این روزها در حال پیش تولید است بیان کرد: این فصل از مجموعه قرار است در ۵۰ قسمت ساخته شود و هر قسمت ۱۵بیزود دارد اما مساله این است که این بار پرونده‌ها پیچیده‌تر و روند نگارش هم سخت‌تر شده است. وی اضافه کرد: به دلیل اینکه سراغ پرونده‌های پیچیده‌تری رفته‌ایم، هر اپیزود بازیگر بیشتری دارد، بازیگران ثابت بیشتر شده‌اند و در این سری غیر از بهزاد خلیج که ایفاگر نقش آقای قاضی است، چهار بازیگر ثابت دیگر هم در سریال حضور دارند. یکی دیگر از تغییرات هم این است که دیگر فضا تک لوکیشن نیست و گاهی از محیط دادگاه بیرون می‌رویم البته همچنان قسه در همان فضای دادگاهی و راهرو… پیش می‌رود.

مهرگان درباره حضور مجدد بهزاد خلیج در نقش قاضی در این سریال تلویزیونی

نعمتی (خواننده) نیز برای اولین بار به عنوان بازیگر یک فیلم سینمایی در این فیلم جلوی دوربین رفته است. «بی‌مادر» به کارگردانی مرتضی فاطمی و تهیه‌کنندگی محمدرضا مصباح و علی اوجی دیگر فیلم جدید سینماست

«آقای قاضی»

سراغ سوژه‌های امنیتی می‌رود

عنوان کرد: بهزاد نقش آقای قاضی را خیلی دوست دارد و خودش را هم مدیون این نقش می‌داند. این کارگردان درباره تعامل با قوه قضائیه و اعتمادی که از فصل قبل به وجود آمده است هم گفت: قوه قضائیه در این فصل خیلی تعامل و اعتماد بیشتری با ما دارد به ویژه الان که مجموعه دیده شده و بازخوردهای خوبی داشته که برایشان مهم است و آن‌ها را سر ذوق آورده است. مهرگان با اشاره به نگرانی قوه قضائیه تصریح کرد: البته یک مسأله‌ای که باعث نگرانی شده بود این بود که می‌گفتند پرونده‌هایی که از آنها گرفته می‌شود بعداً در سینما به شد خودشان بدل می‌شود اما خدا را شکر به ما این حس را نداشتند. وی اضافه کرد: یک ملاحظه حرفه‌ای دیگر هم داشتند که از منظر آئین دادرسی بود.

و داستان زندگی آرام یک زوجی را روایت می‌کند که با اتفاق‌هایی وارد دوراهی و مخاطرات اخلاقی می‌شوند.» فیلم دیگری که از چهارشنبه اکران می‌شود، «آخرین تولد» به کارگردانی و نویسندگی نوید محمودی است که دو سال قبل با نام «سقوط کابل» پروانه ساخت گرفته بود. الناز شاکردوست، پدram شریفی، شیددا خلیق، آرمین رحیمیان، سسول خلیق، نیلوفر کوخانی و رضا بهبودی بازیگران این فیلم هستند و روایتی است از عشق ثریا و شمیم؛ عشقی که ساهی جنگ بر سرش آوار شده است.

فیلم «ستون ۱۴» ساخته امیرحسین همتی و به تهیه‌کنندگی علیرضا قاسم‌خان هم دیگر فیلم جدید سینماست که رده سنی بالای ۱۵ سال برای آن در نظر گرفته شده است. میترا حجار و روزبه حصاری از جمله بازیگران این فیلم هستند که در خلاصه داستان آن آمده است: ساناز و یاشار وقتی می‌ترسند، بازی می‌کنند. این‌بار با زندگی جلال…

فیلم دومی که برای کودکان و نوجوانان از فردا روی پرده سینماها می‌آید، «در میان صخره‌ها» است که به نویسندگی و کارگردانی مختار عبداللهی و تهیه‌کنندگی محمد احمدی ساخته شده است. در خلاصه داستان فیلم آمده است: ابراهیم و ایلما خواهر و برادری جوان هستند که در نبود پدر و مادر خود، گوسفندان را برای چرا به دشت می‌برند، ولی در این میان مشکلاتی رخ می‌دهد که باید با آنها مواجه شوند. اسماعیل مرادی، مریم آل‌احمد، حمیدرضا غیبی و اندیا یحیی‌پور بازیگران اصلی این فیلم هستند که در آخرین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم کودک و نوجوان اصفهان جایزه ویژه داوران و پروانه زرین بهترین بازیگر کودک را دریافت کرد.

که با شعار «بی‌گناهی کم گناهی نیست» از فردا اکران خواهد شد.

در این فیلم بازیگرانی همچون امیر آقایی، پردیس پورعابدینی، پژمان جمشیدی و میترا حجار بازی کرده‌اند

مثلاً پرونده‌ای از لحاظ آئین دادرسی در یک روند چهار سال بررسی شده است و نگران بودند که چطور در ۲۰ دقیقه قرار است ابعاد مختلف آن نمایش داده شود و به نتیجه برسد. این کارگردان با اشاره به پرونده‌های این فصل از مجموعه نیز یادآور شد: در این فصل سراغ پرونده‌های امنیتی، مناسد اقتصادی، جرایم مختلف و موضوعاتی که عموم مردم درگیر هستند می‌رویم. پرونده‌هایی امنیتی داریم که تا حالا باز نشده است و برای ما اولین بار در یک مجموعه نمایشی در تلویزیون سرافشان می‌رویم. مثلاً قاچاق اعضای انسان تا به حال به صورت نمایشی در تلویزیون مطرح نشده و قرار است به این سوژه‌ها بپردازیم که اینها کار ما را سخت کرده است. وی در پایان خبر داد: دوست داریم فصل دو، یک تغییر اساسی داشته باشد، اسم مجموعه هم در این فصل تغییر کرده و «آقای قاضی شعبه ۱۲۱» شده است. سیدحسام حسینی در این فصل تهیه‌کننده است، همچنین سریال «آقای قاضی؛ شعبه ۱۲۱» با ترکیب جدیدی از نویسندگان شامل ۱۲ نویسنده شامل نویسندگان قبلی و جدید نگارش خواهد شد و طنزنویسی را نیز مدنظر قرار داده‌ایم. سرپرستی نویسندگان را نیز سیدمحمد حسینی برعهده دارد.

دغدغه‌های جدی این روزهای خبرنگاران

از نگاه یک روزنامه‌نگار باسابقه

بخشی که کمک می‌کند به بنگاه مطبوعاتی که بتواند گردش مالی رسانه را سامان دهد، کاهش می‌یابد. اینها، رسانه را با دغدغه و نگرانی تعطیلی مواجه می‌کند و این به خوبی مشخص است و مسئله جدی است. می‌بینیم که تعدادی روزنامه منتشر نمی‌شوند و درواقع نشر آنها در فضای مجازی است، روی کاغذ نیست و در نهایت اگر نسخه‌ای هم چاپ می‌شود آنقدر ناچیز است که اصلاً دیده نمی‌شود. مجموعه این عوامل به امنیت شغلی روزنامه‌نگار لطمه می‌زند. در نتیجه بیکار می‌ماند و یا هر لحظه نگران این است که روزنامه‌اش تعطیل شود و رسانه‌اش با کاهش نیرو روبه‌رو شود و خودش یکی از قربانیان این کاهش نیرو باشد.

این استاد روزنامه‌نگاری روحیه کار خبرنگاران در شرایطی که با این مشکلات یاد شده مواجه است، روحیه‌ای ویرانگر می‌داند و می‌گوید: با این مشکلات خبرنگار احساسی می‌کند کارش پیبوده است و آنچه را که تولید می‌کند نمریخس نیست و مایه‌آزای بیرونی ندارد. ما در دوره‌ای اغلب خبرنگاران را کارمند اداره کردیم که کار اداری و غیرخلاقه انجام دهند، کارت بزنند و زمانی را پر کنند. الان کار به جایی رسیده که تولید و انتشار و تکثیر خود همین‌ها هم با مشکل مواجه شده و خبرنگار احساس بطالت می‌کند، احساس می‌کند به خودش و حرفه‌اش بدکار است.

صدیقی می‌گوید: باید امیدوارم بود. امیدوارم گشایشی در رفتار رسانه‌ای کلان جامعه صورت بگیرد و رسانه‌ها بتوانند جمعیت از دست رفته خودشان را بازآفرینی کنند و به مخاطب برسند.

فریدون صدیقی تصریح می‌کند: قلیسم به درد می‌آید اگر ببینم نسلی که در حال تکاپوست از کارش بازمانده است، می‌خواهم بگویم آن کسی که دانشجوست و در شرایط کار قرار نگرفته، چه باید بکند؟ تنها امید این است که خودش در حوزه‌ای که تحصیل می‌کند به دانش و مهارتش اضافه کند. امیدوارم نظام آموزشی ما برای دانشجویان روزنامه‌نگاری فکری کند تا جمع بیکاران وجود ندارد و وقتی که مخاطب کم باشد، روزنامه‌های ایران که در پیش‌خان هستند و معدودند، روزبه‌روز آب می‌شوند. وقتی خریدار کم شود، به تبع آگهی به عنوان معاونت مطبوعاتی چاره‌ای برای این مسائل کنند.

آلبوم جدید شهرام ناظری در راه است

بعد از چند سال سکوت، آلبوم «شاعر گمشده» با صدای شهرام ناظری و آهنگسازی ارشک رفیعی با اشعاری از محمود مشرف آزاد تهرانی (م آزاد) به زودی منتشر می‌شود.

این دو هنرمند موسیقی ایران در سال‌های گذشته، آثاری را به مناسبت بزرگداشت و یادواره پدر شعر نو «بیمای پوشش» تهیه و اجرا کرده‌اند. تیتراژ پانایی فیلم سینمایی «ایران برگ» با صدای شوالیه آواز ایران و آهنگسازی ارشک رفیعی در سال ۱۳۹۴ جایزه تندیس حافظ بهترین ترانه از پانزدهمین دوره جشن سینمایی دنیای تصویر در دریافت کرده است. آهنگ «برگ ریزان» با شعر(م آزاد) که بعد از حادثه دلخراش زلزله کرمانشاه در آبان ماه ۱۳۹۶ به مردم زلزله‌زده آن منطقه تقدیم شد و همچنین آهنگ «جان جانم» با شعر ارشک رفیعی که در همدردی با بازماندگان هوایلمای اوکراینی در سال ۹۸ منتشر شد، از دیگر همکاری‌های این دو هنرمند است.

فرهنگ و هنر

دریچه

جنگ در چنگ این زنان خبرنگار بود

زنان ایرانی به‌ عنوان خبرنگار یسا عکاس در جنگ تحمیلی دوشادوش رزمندگان در خطرناک‌ترین لحظه‌ها حضور داشتند. از جمله این زنان می‌توان به مرحوم مریم کاظم‌زاه یا فاطمه سادات نواب صفوی (میرلوحی) اشاره کرد.

یکی از دوره‌های تاریخی ایران که به نظر می‌رسد در روایت‌ها بیشتر به نقش مردان در آن توجه شده دوران جنگ تحمیلی است. هفت سال دفاع مقدس جنبه‌های مختلفی داشت. یکی از این جنبه‌ها، کنش‌گری زنان با عنوان‌ین متعددی همچون پزشک، امدادگر یا نیروهای پشتیبانی است. اما تا کنون کمتر به این موضوع اشاره شده است که زنان ایرانی به‌ عنوان خبرنگار یا عکاس در جنگ تحمیلی دوشادوش رزمندگان در خطرناک‌ترین لحظه‌ها حضور داشته‌اند. از جمله این زنان می‌توان به مرحوم مریم کاظم‌زاه عکاس یا فاطمه سادات نواب صفوی (میرلوحی) خبرنگار اشاره کرد.

پس از شروع جنگ تحمیلی در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، زندگی این زوج یسار دیگر با مقاومت گره خورد. این‌بار هم خانم خبرنگار همراه همسر رزمندehاش به سرپل ذهاب رفت، اما طولی نکشید که در ۲۸ آبان ۱۳۵۹ اصغر وصالی در تنگه حاجیان گیلانغرب به شهادت رسید.

به گزارش ایسنا در این یادداشت به مناسبت روز خبرنگار چند سربزه از زندگی زنان خبرنگار جنگ را بازگو می‌کنیم.

مریم کاظم زاده، عکاس خبری جنگ، متولد سال ۱۳۳۵ بود. وی سابقه همکاری با روزنامه‌های انقلاب اسلامی، کیهان و مجله زن روز را داشت و تحصیلات دانشگاهی خود را در انگلستان به پایان رسانت. مریم کاظم‌زاده در مصاحبه‌ای گفته است: «فائله کردستان که آغاز شد، خودم را به عنوان خبرنگار به میروان رساندم. شهید وصالی هم با نیروهایش به آنجا آمده بود. شهید چمران من را با اصغر آشنا کرد تا مصاحبه‌ای در خصوص پاره خطب کنیم، اما با واکنش بدی از سوی اصغر وصالی مواجه شدم. او می‌گفت که خبرنگار باید صحنه‌های واقعی را با چشم خودش ببیند، نه اینکه به ثبت ششیده‌ها اکتفا کند.» زنده‌باد کاظم‌زاده در وقایع کردستان با اصغر وصالی گروه «دستمال سرخ‌ها» آشنا شد. توجه سیمین این گروه به شهادت یکی از اعضای جوان آن باز می‌گردد. او به هنگام شهادت، لباسی سرخ بر تن داشت که هم‌زمانش به‌عنوان یادبود وی، تکه‌هایی از لباس او را بر گردن بستند و عهد کردند که تا گرفتن انتقامش، آن را از خود جدا نکنند.

کاظم‌زاده و وصالی اواخر شهریور ۱۳۵۸ عقد کردند و اوایل همراه به همراه گردان پنجم سپاه پادگان ولی‌عصر(عج) که فرماندهی‌اش را وصالی برعهده داشت، به مهاباد رفتند تا اولین سفر مشترک زندگی‌شان در یک منطقه جنگی بگذرد. پس از شروع جنگ تحمیلی در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، زندگی این زوج یسار دیگر با مقاومت گره خورد. این بار هم خانم خبرنگار همراه همسر رزمندehاش به سرپل ذهاب رفت اما طولی نکشید که در ۲۸ آبان ۱۳۵۹ اصغر وصالی در تنگه حاجیان گیلانغرب به شهادت رسید.

مریم کاظم‌زاده متعلق به همه‌مات، او خوب زندگی کرد. هر جا بوده از حقیقت جنگ زده است در جنگ هم به دنبال حقیقت بوده است.»

مریم کاظم‌زاده در خرداد ماه ۱۴۰۱ بر اثر یک دوره بیماری صعبالاعلاج به همسر شهیدش پیوست و پیکرش در قهلق ۱۰۳ بهشت زهرا(س) خاکسپاری شد. آثاری همچون «خبرنگار جنگی: خاطرات مریم کاظم زاده»، «مریم کاظم زاده: عکاسان جنگ (عصر-ان) ایران ۱۳۶۵-۱۳۶۵») و «تا شهادت» از جمله کتاب‌هایی هستند که به این خبرنگار جنگ اختصاص دارد.

فاطمه‌سادات نواب‌صفوی، فرزند شهید سیدمجتبی نواب صفوی از مبارزان جمعیت فدائیان اسلام است که در عملیات آزادسازی خرمشهر در سال ۶۱ به عنوان تنها زن رزمنده دوشادوش مردان از کشور دفاع کرد. فاطمه‌سادات در زمان شهادت پدرش پنج سال داشت و به علت مخالفت پدر با رژیم شاه تا آن زمان شناسنامه نداشت. سال‌ها بعد مادرش «هنریه سادات» با نسام خاندوگی «میرلوحی» برای وی شناسنامه گرفت و او توانست به مدرسه برود. فاطمه سادات پس از اخذ مدرک دیپلم با فرزند عامه مرد خویش «سیدابوالحسن فاضل رضوی» ازدواج کرد و به دلیل مخالفت همسرش با رژیم شاه، در همان سال‌های اول زندگی متاهلی به یک روستا تبعید شد. این باتوی رزمنده و خبرنگار دربراه انگیزه‌اش در کار خبری توضیح می‌دهد: «همیشه دلم می‌خواست که برای مردمی کاری انجام دهم و نیازهای آنها و واقعیت‌های زندگی‌شان را برای جامعه مطرح کنم و در نتیجه همه نسبت به همدیگر، شناخت پیدا کنند. من هیچ وقت طوری کار نمی‌کردم که کسی بتواند به من امر و نهی کند که کجا بروم و کجا نروم، هر وقت می‌دیدم جای‌ی نیاز هست، می‌رفتم؛ لذا بعد از اینکه کارت خبرنگاری کیهان را گرفتم، هرجا که می‌دیدم مردم مشکلی دارند، برای شنیدن صدایشان می‌رفتم. یک جور خبرنگار خودکار بودم، چون ما انقلاب کرده بودیم که شرایط مردم مستضعف خوب و عدالت برقرار شود و فقر در جامعه از بین برود. هنوز هم که هنوز است، هر جا که می‌روم، دنبال خبرهای مردمی هستم. من مدتی به کشمیر هند رفتم که محاصره نظامی بود و از شیب تا صبح، صدای گلوله می‌آمد و از ساعات ۵ بعدازظهر به بعد، حکومت نظامی برقرار می‌شد. در چنین شرایطی، با تمام سران طرف‌های درگیر مصاحبه کردم. البته چندین بار هم نزدیک بود ارتش دستگیر کند، ولی با کمک اتمه (طاهر)(ع) و لطیف‌الحیل از جمله نقش‌بازی کردن – که لاال هستم و نمی‌توانم جواب بدهم – نجات پیدا کردم!» در زمان جنگ رزمندگان فکر می‌کردند من مادر یا خواهرشان هستم! با اینکه همیشه کلاشینکوف روی شانه‌ام و نارنجک و چیزهای دیگر هم همراهم بود، به من به صورت یک پناهگاه نگاه می‌کردند و اغلب می‌دیدند و می‌آمدند و با من، در مورد مسائلی که در روز برایشان اتفاق می‌افتاد، صحبت می‌کردند.